

سیاست کیفری سلب توان بزهکاری

دکتر حسین غلامی*

چکیده

سیاست کیفری سخت گیرانه که از دهه هفتاد میلادی و بویژه از دهه هشتاد جهت مبارزه با بزهکاری مورد توجه قرار گرفته است، دارای ابعاد و راهبردهای متعددی است که، سلب توان بزهکاری، با استفاده از رویکرد سه ضربه و سپس اخراج، از جمله مهمترین آن‌ها محسوب می‌گردد. رویکرد مذکور بویژه در برخی کشورها از جمله آمریکا چنان مورد استقبال قرار گرفته است که می‌توان از آن تحت عنوان سیاست کیفری غالب در مبارزه با برخی بزهکاران- بزهکاران مکرر و حرفه‌ای- یاد کرد.

در این رویکرد با تأکید بر ضرورت خنثی‌سازی و سلب توان بزهکاری مجرمان مذکور، فرض بر آن است که می‌توان نسبت به کاهش نرخ کلی بزهکاری امیدوار بود و در نتیجه با حذف برخی بزهکاران از جامعه و نگهداری آنان در پشت میله‌های زندان، سهم عمده آنها در بزهکاری را کاهش داده، نرخ کلی جرایم را به نحو قابل توجهی پائین آورد. در این مقاله ضمن بررسی تاریخچه و ابعاد مختلف این سیاست در ایالات متحده آمریکا، به بررسی نتایج اجرای آن در نظام عدالت کیفری این کشور و نیز به بررسی دیدگاه‌های طرفداران و منتقدان آن پرداخته خواهد شد.

کلید واژگان

سه ضربه و سپس اخراج، مجرمان حرفه‌ای، مجرمان مکرر، ارزیابی کارآیی و تأثیرگذاری.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

درآمد: بررسی جامعه‌شناختی ظهور یک سیاست کیفری

در سال ۱۹۹۳، در ایالت واشنگتن آمریکا یک اقدام ابتکاری به منظور وضع قانونی، جهت اعمال مجازات حبس ابد اجباری، نسبت به برخی از بزهکاران بدون حق برخورداری از آزادی مشروط صورت گرفت. این اقدام، ریشه در تراژدی قتل «دایان بالاسیوتس»^۱ داشت که به وسیله یک مجرم محکوم به ارتکاب زنای به عنف که از زندان آزاد گردیده بود، کشته شد.

در اندک مدتی شعار «سه ضربه و سپس اخراج» نه تنها در سطح ایالات واشنگتن و کالیفرنیا که در سایر ایالت‌های آمریکا گسترش یافت و قانون‌گذاران متعددی از آن استقبال کردند. (لیون، ۱۹۹۸).^۲ در کالیفرنیا نیز همانند واشنگتن تصویب این قانون، در نتیجه حادثه‌ای تلخ بود. «کیمبر رینولد»^۳ دختری ۱۸ ساله در غروب یکی از روزهای ژوئن ۱۹۹۲، زمانی که در حال پارک خودرو خود در بیرون یک رستوران، جهت دیدار از شهر مادری خویش «فرسون»^۴ (کالیفرنیا) بود، مورد حمله دو جوان جهت سرقت کیفش قرار گرفت. او مقاومت کرد و در نتیجه درگیری شدید میان او و مهاجمان، یکی از آن‌ها مستقیماً تیری به سر وی شلیک کرد. مهاجمان فرار کردند و حتی کیف او را نیز برنداشتند. «کیمبر» ۲۶ ساعت بعد درگذشت. مرد جوانی که به وی شلیک کرده بود توسط پلیس پیدا شد، اما در نتیجه درگیری میان وی و پلیس، با تیراندازی پلیس کشته شد. در نتیجه

۱. Diane Ballasiotes .

۲. Lyons, Donna .

۳. Kimber Reynolds .

۴. Freson .

تحقیقات تکمیلی معلوم شد که وی «جو داویس»^۵ نام داشته و به دفعات به خاطر اتهامات مربوط به جرایم مواد مخدر و استفاده غیرمجاز از سلاح به زندان رفته و اخیراً نیز به دلیل سرقت خودرو در زندان بوده است. همراه وی نیز فردی بود به نام «داوید والکر» بیست و هفت ساله که سابقه‌ای طولانی در محکومیت به دلیل ارتکاب جرایم مواد مخدر و سرقت داشت. او متهم به سرقت، توأم با اذیت و آزار و معاونت در قتل بود و به نه (۹) سال حبس محکوم شده بود. (اسکلتون، ۱۹۹۳).^۷ «مایک رینولد» پدر «کیمبر رینولد» به دنبال مرگ فرزند خود تلاش کرد تا اقدامی مؤثر برای مبارزه با تکرارکنندگان جرم به عمل آورد. او پیشنهاد کرد تا قانونی تحت عنوان «سه ضربه و سپس اخراج»، همانند آنچه که در واشنگتن در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسیده بود در کالیفرنیا نیز وضع شود. قانونی که موجب محکومیت مجرمی که دارای یک سابقه جنایی بود، به دو برابر مجازات می‌شد و نیز باعث محکومیت مجرمی که برای سومین بار مرتکب جرم جنایی می‌شد به حبس ابد می‌گردید. تلاش‌های «رینولد» به سرانجام نرسید و کمیته امنیت عمومی مجلس کالیفرنیا وضع چنین قانونی را به صلاح ندانست.

پس از مدت کوتاهی، واقعه تأسف آور دیگری رخ داد که منجر به تقویت مواضع «رینولد» و طرفداران ابتکار وی شد. در اکتبر ۱۹۹۳، «پلی کلاس»^۸ دختری دوازده ساله ربوده شد و مدتی بعد بدن قطعه قطعه شده وی پیدا گردید. او توسط «ریچارد آلن

5. Joe Davis .

6. David Walker .

7. Skelton, George .

8. Poly Klass .

داوینس^۹، یک مجرم مکرر با سابقه هفده بار توقیف، از جمله سه بار سرقت کودکان و سوءاستفاده جنسی کشته شد (فرانکلین، ۱۹۹۴).^{۱۰} زمانی که او «کلاس» را کشت، تازه از زندان آزاد شده بود، به این دلیل که در زندان دارای رفتاری مناسب بوده است. علت محکومیت وی کودکربایی بود که منجر به شش سال حبس شده بود. این وقایع و بویژه نام «داوینس»ها، حساسیت عمومی جامعه کالیفرنیا را برانگیخت و موجب توجه عمومی به بزهکاران مکرر و آزادشدگان از زندان شد. در نتیجه، درخواست «مایک رینولد» که تا آن زمان تنها بیست هزار امضای گردآوری شده آن را تایید و حمایت کرده بود مورد توجه قرار گرفت و در اندک مدتی تعداد امضاء کنندگان به ۳۸۵۰۰۰ نفر رسید. این ابتکار مورد حمایت گروه‌های قدرتمند اجتماعی و نامزدهای انتخاباتی نیز قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۹۹۴ قانون سه ضربه و سپس اخراج کالیفرنیا به تصویب رسید.

اکنون سیاست «سه ضربه و سپس اخراج» در سطح فدرال و تقریباً در کلیه ایالات آمریکا پذیرفته شده و جنبه قانونی یافته است. در سال ۱۹۹۴، رییس‌جمهور وقت آمریکا، کلینتون، به هنگام امضای قانون سه ضربه و سپس اخراج، ضمن سخنرانی مفصل، از آن به عنوان مبنای سیاست کیفری دولت فدرال یاد کرد.

سیاست سلب توان بزهکاری از طریق رویکرد سه ضربه و سپس اخراج از دو دهه پیش تاکنون، به عنوان سیاست کیفری غالب، سراسر آمریکا را فراگرفته است. مشابه چنین سیاست سخت‌گیرانه‌ای پیش از آن نیز در آمریکا اتخاذ شده بود. تأسیس پادگان‌های آموزشی-تربیتی، حذف یا محدود کردن قلمرو نظام اختیاری صدور حکم به مجازات و

9. Richard Allen Davis .

10. Franklin, Daniel .

غیره، در همین راستا بوده است، (سورت، ۱۹۹۶).^{۱۱} این سیاست با توجه به تمایل عمومی به استفاده از مجازات‌های شدیدتر علیه بزهکاران مرتکب جرایم خشونت‌بار و مرتکبین تکرار جرم و نیز با توجه به فعالیت رسانه‌های جمعی که گاه توأم با القای غلوآمیز ترس از جرم در مردم بود، به زودی فراگیر شد.

مبانی نظری این سیاست، زیشه در نظریه بازدارندگی مجازات‌ها دارد (غلامی، ۱۳۷۸). فرضیه اساسی این سیاست آن است که بازدارندگی عمومی از طریق اعمال مجازات سریع، قطعی و شدید، (در اینجا مجازات حبس ابد بدون امکان اعطای آزادی مشروط)، نسبت به بزهکاران مکرر حاصل می‌شود و پدین وسیله از امکان ارتکاب جرایم دیگر کاسته می‌گردد، (لوت و موستارد، ۱۹۹۷).^{۱۲} آگاهی از این که محکومیت بعدی، حبس ابد بدون امکان آزادی است، بزهکار را از ارتکاب جرم مشمول آن برحذر خواهد داشت. برای آن که این نتیجه حاصل شود، باید دو شرط وجود داشته باشد. اول آن که بزهکاران باید از سیاست کیفری جدید مطلع شوند و دوم آنکه آنان باید به این نتیجه برسند که در صورت ارتکاب جرم، با احتمال بسیار زیاد دستگیر شده و محکوم خواهند شد.

سلب توان بزهکاری زمانی ضرورت پیدا می‌کند که بزهکار به عادت یا حرفه‌ای، از طریق بازدارندگی یا بازپروری، قابل بازداشتن یا اصلاح نباشد که در نتیجه ضرورتاً و به نحو مستمری باید از جامعه دور نگه داشته شود. درست به همین دلیل بود که برخی نویسندگان از نظریه منزوی و جدا کردن بزهکاران به عادت، از جامعه در دهه هفتاد میلادی دفاع نمودند و ضرورت اتخاذ چنین سیاستی را مورد تاکید قرار دادند، (پیترسلیا، گرینوود و لاوین، ۱۹۷۸).^{۱۳} این نظریه بر این فرض استوار است که:

11. Surette, Ray .

12. Lott, John R. and David. B. Mustard .

13. Petersilia, J; Greenwood, P.W., and Lavin, M.

۱- دادگاه‌ها دقیقاً می‌توانند بزهکاران به عادت را تشخیص دهند و

۲- بزهکاری مجرمان حرفه‌ای در طول زمان بی‌وقفه ادامه خواهد یافت.

هر دو فرض بالا توسط نویسندگان و محققان دیگر مورد انتقاد قرار گرفت. برخی مطالعات نشان می‌دهند که پیش‌بینی احتمال ارتکاب جرم تاکنون و به‌طور قطعی از طرف متخصصین علوم جنایی امکان‌پذیر نبوده است، (غلامی، ۱۳۸۲).^{۱۴} از طرف دیگر مطالعات نشان می‌دهند که حتی بزهکاران به عادت، پس از مدتی از فعالیت مجرمانه خود کاسته و یا نسبت به ترک آن اقدام می‌کنند. در چنین وضعیتی تحمیل مجازات حبس ابد نه تنها فاقد آثار مورد نظر است، بلکه از لحاظ اقتصادی و... به نفع نظام عدالت کیفری نیز نخواهد بود.^{۱۵}

گفتار اول: انواع قوانین سه ضربه

در این مقاله ابتدا به بررسی اشکال مختلف انعکاس سیاست کیفری، مبتنی بر سلب توان بزهکاری، در قوانین مختلف سه ضربه و سپس اخراج پرداخته شد (گفتار اول) و بعد از آن به مطالعه موردی قوانین مذکور در سه ایالت واشنگتن کالیفرنیا و جورجیا که دارای مهمترین و تاثیرگذارترین قوانین فوق‌الذکر می‌باشند، اقدام گردید (گفتار دوم). چنین مقایسه‌ای آثار متفاوت سیاست سلب توان بزهکاری بر قوانین ایالت‌های مذکور را نشان خواهد داد. در گفتار سوم به ارزیابی سیاست سلب توان بزهکاری از طریق قوانین سه ضربه پرداخته شده است.

^{۱۴}. غلامی، حسین.

^{۱۵}. Blumstein, A. Cohen, J., Koth, J. A. and Visser, C.

بند اول: انعکاس سیاست سلب توان بزهکاری در قانونگذاری جزایی

در حال حاضر تقریباً کلیه ایالت‌های امریکا، علاوه بر دولت فدرال، سیاست سه ضربه و سپس اخراج را از طریق وضع قوانین خاص پذیرفته‌اند. بررسی قوانین مختلفی که در این خصوص وضع شده‌اند، نشان می‌دهد که، اگرچه همه قوانین مذکور در راستای سیاست سلب توان بزهکاری به تصویب رسیده‌اند، اما تفاوت‌های عمده‌ای نیز میان آنها وجود دارد، (بخش عدالت کیفری امریکا، ۲۰۰۲).^{۱۶} اولین تفاوت، ناظر به نوع جرایمی است که مشمول سه ضربه می‌باشند. با وجود این که اکثر ایالات، جرایم جنایی خشونت‌بار همانند قتل، تجاوز به عنف، سرقت مشدد و ضرب و جرح را جزء «جرایم مشمول ضربه»^{۱۷} آورده‌اند، برخی دیگر از ایالات جرایم غیر خشونت‌آمیزی را نیز مشمول این سیاست قرار داده‌اند. این جرایم عبارتند از:

- ۱- خرید و فروش مواد مخدر، در ایندیانا.
- ۲- هر جرم مواد مخدر که مستلزم مجازات حبس بیش از پنج سال است، در لویزیانا.
- ۳- فروش مواد مخدر به صغار، سرقت توأم با ضرب و جرح و داشتن سلاح، در کالیفرنیا.
- ۴- فرار، در فلوریدا.
- ۵- خیانت به کشور، در واشنگتن.
- ۶- اختلاس و رشاء، در کارولینای جنوبی.

16. U.S.Department of Justice, Federal bureau of investigation.

17. Strikable Offenses.

افزون بر تفاوت میان جرایم مشمول ضربه، در تعیین تعداد ضربه‌ها برای جرایم مختلف و در نتیجه اجرای قوانین مربوط به آن نیز میان ایالات مختلف تفاوت است. برخی از آن‌ها در صورت دو بار تکرار، اقدام به اجرای این سیاست می‌کنند که در اینجا اطلاق سیاست "دو ضربه" مناسب‌تر است. در این خصوص حداقل ۸ ایالت چنین سیاستی را برگزیده‌اند. این ایالات عبارتند از: آرکانزاس، کالیفرنیا، جورجیا، کانزاس، مونتانا، پنسیلوانیا، کارولینای جنوبی و تِنیسی. و اکثریت ایالات نیز این سیاست را در سومین مرتبه تکرار به اجرا می‌گذارند.

همچنین قوانین ناظر به سیاست سه ضربه در تعیین میزان مجازات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به گونه‌ای که اکثریت آن‌ها زمانی طولانی را به عنوان مدت حبس تعیین کرده‌اند. به عنوان مثال مفهوم «اخراج» در برخی ایالات همانند جورجیا، مونتانا، تِنیسی، لویزیانا، کارولینای جنوبی، ایندیانا، نیوجرسی، کارولینای شمالی، ویرجینیا، واشنگتن و ویسکانسین از طریق اعمال مجازات حبس ابد بدون امکان تعلق آزادی مشروط عملی می‌گردد. در حالی که این مفهوم در کالیفرنیا، کلرادو و نیومکزیکو از طریق اعمال مدتی حبس (حداقل بیست و پنج سال) با امکان تعلق آزادی مشروط به اجرا درمی‌آید. در نیومکزیکو محکومین به سیاست سه ضربه، تا مدت سی سال از زمان تحمل حبس، مستحق آزادی مشروط نیستند، در حالی که در کلرادو این زمان چهار سال و در کالیفرنیا حداقل بیست و پنج سال است، (سیمون و کوپل، ۱۹۹۶).^{۱۸} برخی ایالات همانند کانکتیکوت، کانزاس، آرکانزاس و نوادا نیز ضمن وضع قوانین سه ضربه برای تکرارکنندگان جنایات شدید، اختیار تعیین مدت مجازات را به قضات واگذار کردند. چند ایالت دیگر همانند

18. Simon, Paul and Dave Kopel.

فلوریدا، داکوتای شمالی، پنسیلوانیا و ورمونت در خصوص تکرار برخی جنایات شدید،^{۱۹} طیفی از مجازات‌ها را که حداکثر آن حبس است، تعیین نمودند، (پورت من، ۱۹۹۵).

بند دوم: مقایسه قوانین جدید با مقررات سابق

برای درک آثار و ماهیت نمادین سیاست سلب توان بزهکاری، می‌توان به مطالعه قوانین سابق ایالات مختلف آمریکا در رابطه با چگونگی اعمال مجازات بر تکرارکنندگان جرم پرداخت. بررسی قوانین برخی ایالات نشان می‌دهد که این ایالات پیش از وضع قوانین سه ضربه دارای قوانین مشابهی بوده‌اند، اگرچه میان قوانین سابق و قوانین سه ضربه تفاوت‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال، در ایالاتی همانند لویزیانا، کارولینای جنوبی، تِنسی و مریلند قوانین مربوط به تشدید مجازات تکرارکنندگان جرایم خشونت‌بار، به صورت حبس ابد و بدون امکان تعلق آزادی مشروط وجود داشته است، لیکن تفاوت آن‌ها با قوانین اخیر، در رابطه با تعریف چنین بزهکارانی است؛ به طوری که قوانین جدید، شامل تعداد بیشتری از آن‌ها شده و به عبارت دیگر تعریف موسعی ارایه داده است.

در ایالت‌های ورمونت و داکوتای شمالی تعریف تکرارکنندگان جرم، در مقایسه با قوانین قبلی توسعه یافت، به گونه‌ای که به عنوان مثال طبق قوانین سابق ورمونت، تکرارکننده جرم که مستحق حبس ابد بود کسی بود که برای چهارمین مرتبه محکوم به ارتکاب جرم جنایی می‌شد. در حالی که در قوانین جدید، وی کسی است که در سومین مرتبه، مرتکب یکی از جرایم خشونت‌بار شده و محکوم به حبس ابد، بدون امکان برخورداری از تعلیق اجرای مجازات، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط می‌شود. در صورت

19. Portman, Janet.

ارتکاب سایر جرایم (غیرخشونت آمیز)، همان قانون سابق اجرا می گردد. در قانون سابق ویرجینیا، بزهکار مکرری که برای سومین مرتبه محکوم به ارتکاب سه جرم خشونت آمیز جنایی یا توزیع مواد مخدر می شد، مستحق حبس ابد بوده است، در حالی که در قانون فعلی مصوب ۱۹۹۴، در صورتی که فرد، مرتکب هر جرم جنایی خشونت آمیز در مرتبه سوم شود، مستحق حبس ابد خواهد بود، (ناگین، ۱۹۹۸).

در برخی دیگر از ایالات، هم در تعریف تکرار جرم خشونت آمیز و هم در میزان مجازات تغییراتی ایجاد شد. به عنوان مثال مطابق قانون ناظر به مجازات بزهکاران به عادت کالیفرنیا، مجازات تکرار جرم برخی جرایم خشونت آمیز جنایی در دفعه سوم، در صورتی که مجازات دو جرم قبلی اعمال شده باشد، حبس ابد با امکان تعلق آزادی مشروط پس از تحمل بیست سال حبس بوده است و در صورت ارتکاب چنین جرمی در دفعه چهارم، مجازات مرتکب، حبس ابد بدون امکان اعطای آزادی مشروط بوده است. در حالی که طبق قانون مصوب سال ۱۹۹۴ این ایالت، در حال حاضر مجازات تکرار هر جرم جنایی، در صورت داشتن یک سابقه محکومیت جنایی از طرف مرتکب، تشدید اجباری مجازات جرم جنایی اخیر به دو برابر مجازات اصلی آن است. در صورت وجود دو سابقه محکومیت به ارتکاب جرم جنایی یا خشونت بار، مجازات اجباری مرتکب، حبس ابد است، (مومولا و بک، ۱۹۹۷).

بدین ترتیب، صرف نظر از شدت عمل موجود در سیاست سه ضربه و سپس اخراج، وضع قوانین سه ضربه تا حدودی واجد جنبه نمادین نیز بوده است. این امر یکی از دلایل استناد کمتر قضات یا دادستان ها به قانون مذکور است، به گونه ای که به عنوان مثال از سال

20. Nagin, Daniel .

21. Mumola, Christopher J. and Allen J. Beck .

۱۹۹۳ تاکنون در ایالت واشنگتن کمتر از دویست نفر و در جورجیا کمتر از ده نفر در هر سال وفق قانون مذکور (دوضربه)، محکوم شده‌اند. البته تنها استثنا در این خصوص ایالت کالیفرنیا است که در آن بیش از چهل هزار نفر وفق قانون سه ضربه آن ایالت به زندان فرستاده شده‌اند، (انجمن ملی ریفل، ۱۹۹۶).^{۲۲}

گفتار دوم: قوانین سه ضربه واشنگتن، کالیفرنیا و جورجیا

همانگونه که بیان گردید در اجرای سیاست سلب توان بزهکاری، برخی ایالات ضمن ایجاد تغییرات اندک در مجموعه جرایم و مجازات‌های نظام کیفری خود، بر جنبه نمادین وضع چنین قوانینی تاکید نموده‌اند، در حالی که برخی دیگر ضمن ایجاد تغییرات وسیع‌تر، سیاست شدیدتری را نسبت به تکرارکنندگان جرم برگزیده‌اند. از میان ایالات مختلف، سه ایالت واشنگتن، کالیفرنیا و جورجیا نه تنها جنبه‌های متفاوتی از رویکرد سه ضربه را به مورد اجرا گذارده‌اند، بلکه الگوی برخی دیگر از ایالات نیز قرار گرفته‌اند. ایالت واشنگتن به عنوان پیشگام اجرای سیاست سه ضربه، تکرار تعداد اندکی از جرایم را مشمول این سیاست قرار داده است، در حالی که دو ایالت دیگر، تعداد بیشتری از جرایم را مشمول این سیاست نموده‌اند، (رسک، ۱۹۹۶).^{۲۳} در کالیفرنیا بیشتر جرایم، مشمول این سیاست قرار گرفته است، در حالی که در جورجیا اجرای این سیاست - در دفعه دوم تکرار-زودتر عملی می‌شود. قوانین کالیفرنیا جرایم بیشتری را مستحق واکنش سه ضربه دانسته است، در حالی که واشنگتن و جورجیا تعداد محدودی از جرایم را مشمول این سیاست قرار داده‌اند،

²².National Rifi Association .

²³.Resk, Henry J.

(پرسمن و کای، ۱۹۹۶)^{۲۴}. به هر حال بررسی قوانین هر کدام از ایالات مذکور، موجب تبیین بیشتر ابعاد این سیاست خواهد شد.

بند اول: رویکرد سه ضربه در واشنگتن

مطابق قانون سه ضربه واشنگتن که رسماً «قانون پاسخگویی تکرارکنندگان جرم»^{۲۵} نامیده می‌شود، هر بزهکاری که برای سومین دفعه مرتکب یکی از جرایم مذکور در جدول ۳ شود، مستحق محکومیت اجباری به حبس ابد، بدون امکان اعطای آزادی مشروط است. از آنجا که تنها تعداد اندکی از بزهکاران، با توجه به عناوین جرایم مستحق سیاست سه ضربه، وفق قانون مذکور، ممکن است به حبس ابد محکوم شوند، بنابراین اکثریت مجرمین مکرر، طبق همان قوانین سنتی مربوط به تکرارکنندگان جرم مجازات می‌شوند. این ویژگی قانون سه ضربه واشنگتن، دلیل اصلی تعداد کم محکومین به حبس ابد، وفق قانون یادشده است؛ زیرا از ابتدای اجرای این قانون تاکنون کمتر از یکصد و بیست نفر به موجب آن محکوم شده‌اند.

با وجود استفاده محدود از این قانون، مقررات قانون مذکور در دادگاه‌ها همواره موضوع مباحثات و چالش‌های جدی بوده است، علت عمده مخالفت با مفاد این قانون، نقض قاعده ضرورت تناسب میان جرم و مجازات و در نتیجه مغایرت آن با الزامات قانون اساسی آمریکا بوده است، (لاکورس، ۱۹۹۶)^{۲۶}. همچنین برخی دیگر از منتقدین به واسطه

24. Pressman, Steven and Jennifer Kaae.

25. Repeat offender accountability Act.

26. Lacourse, David .

اجباری بودن صدور حکم به حبس ابد در قانون مذکور، مفاد آن را از جهت سلب اختیارات قضات و دادستان‌ها، مغایر با قاعده تفکیک قوا که در قانون اساسی امریکا پذیرفته شده است، می‌دانستند. در مقابل این اعتراضات، دیوان عالی ایالت واشنگتن بر مطابقت این قانون با قانون اساسی تاکید نمود و از پذیرش اعتراض‌های به عمل آمده خودداری کرد. برخی دیگر از انتقادات نیز ناظر به شدت مجازات حبس ابد و عدم امکان اعطای آزادی مشروط بود که منتقدین آن را مغایر با مفاد قانون اساسی ایالت و فدرال می‌دانستند. دیوان عالی در این خصوص نیز نظر منتقدین را مورد تایید قرار نداد، (لانگان و براون، ۱۹۹۴).^{۲۷}

بند دوم: رویکرد سه ضربه در کالیفرنیا

در کالیفرنیا، هم رویکرد دو ضربه و هم سه ضربه پذیرفته شده است. این ویژگی که در هیچ کدام از ایالات امریکا وجود ندارد، سیاست کیفری کالیفرنیا را فوق‌العاده سخت‌گیرانه و شدید کرده و دلیل اصلی افزایش تعداد محکومین به حبس در این ایالت می‌باشد. مطابق ماده (b)-(۱) از قانون جزای کالیفرنیا که ناظر به اجرای سیاست دو ضربه است، هر بزهکاری که سابقه محکومیت به یک جرم جنایی مستحق ضربه را داشته و مجدداً مرتکب آن شود، محکوم به دو برابر مجازات جرم اصلی می‌شود و باید حداقل هشتاد درصد از مجازات را تحمل نماید تا امکان اعطای آزادی مشروط وی فراهم شود. این در حالی است که تکرارکنندگان جرایمی که مستحق ضربه نیستند، اصولاً با تحمل کمتر از نصف مدت مجازات ممکن است از آزادی مشروط برخوردار شوند. سیاست سه

27. Langan, Patrick A. and Jodi M. Brown .

ضربه کالیفرنیا که در ماده ۱۲-۱۱۷۰ قانون مجازات ایالت مذکور منعکس شده است، شامل تکرار هر جرم جنایی در مرتبه سوم می‌شود، قاعده‌ای که قلمرو و وسعت آن با قلمرو رویکرد سه ضربه در هیچ ایالت دیگر قابل مقایسه نیست، (لیری، ۱۹۹۶).^{۲۸}

بر این اساس، در صورتی که فردی دو فقره یا بیشتر جرم جنایی مذکور در موارد فوق را- که در جدول شماره ۱ آمده است- مرتکب شود و قبلاً نیز به خاطر ارتکاب آن‌ها محکومیت یافته باشد و پس از محکومیت برای سومین مرتبه مرتکب جرم جنایی جدید شود، به حبس ابد محکوم می‌گردد. در نتیجه اجرای قاعده دو ضربه، مجازات مرتکب، حداقل دو برابر مجازات اصلی جرم خواهد بود، به علاوه این که وفق ماده (A) ۶۶۷ قانون مجازات کالیفرنیا، مرتکب تکرار جرم جنایی شدید در صورتی که قبلاً سابقه محکومیت به ارتکاب جرم جنایی شدید دیگری را داشته باشد، به پنج سال مجازات بیشتر نیز محکوم می‌شود. به عبارت دیگر، نسبت به چنین مجرمی، نه تنها حسب مورد، قاعده دو ضربه یا سه ضربه اعمال می‌شود، بلکه بابت هر تکرار جرم نیز پنج سال حبس اضافه مورد حکم قرار می‌گیرد، (اداره تجزیه و تحلیل قانونگذاری کالیفرنیا، ۱۹۹۹).^{۲۹}

در ماده (b) ۶۶۷ قانون مجازات کالیفرنیا، منظور قانونگذار از وضع چنین قوانینی به وضوح اعلام شده است: این مقررات «به منظور اعمال مجازات حبس طولانی‌تر و بیشتر برای آن دسته از کسانی که مرتکب جنایت شده و قبلاً نیز محکوم به ارتکاب جرایم جنایی شدید و یا خشن شده بودند» وضع گردیده‌اند. در نتیجه اجرای سیاست دو ضربه یا سه ضربه، امکان تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، قضا‌زدایی از محاکمه مجرم یا فرستادن وی به مؤسسه دیگری جز زندان وجود ندارد، (هایوارد و ایزومی، ۱۹۹۶).^{۳۰}

28. Leary, Mary Ellen .

29. Legislative analysis office, state of California.

30. Hayward, Steven and Lance T.Izumi.

با وجود چنین شدت عمل و سخت‌گیری منحصر به فردی در ماده «۲ (f) ۶۶۷» قانون مجازات کالیفرنیا، این اختیار به دادستان داده شده است که در خصوص اعمال یا عدم اعمال مجازات‌های دو ضربه یا سه ضربه، اتخاذ تصمیم نماید و در نتیجه حکم نهایی را تعیین کند. در حالی که قانون مذکور، دادستان را ملزم به تهیه مدارک سوابق جنایی مرتکب می‌کند، این اختیار را نیز برای او قایل می‌شود که نسبت به عدم احتساب سابقه جنایی با وجود احراز آن اقدام کند، به شرط آن که به عقیده او اجرای قاعده دو ضربه یا سه ضربه «عادلانه» نباشد. این شرط، در واقع تا حدود زیادی منجر به دخالت تصمیمات فردی، در اجرای سیاست سخت‌گیرانه مذکور می‌شود.

بند سوم: رویکرد سه ضربه در جورجیا

در نوامبر ۱۹۹۴، در جورجیا قانونی به تصویب رسید که به موجب آن هر کس که سابقه دو بار محکومیت به جرایم ذیل را دارد، باید محکوم به حبس ابد بدون امکان برخورداری از آزادی مشروط شود. این جرایم عبارتند از: قتل عمد، سرقت مسلحانه، کودک‌ربایی، تجاوز به عنف، اذیت و آزار شدید کودکان، لواط از درجه شدید، اذیت و آزار جنسی از درجه شدید. این قانون از ابتدای ژانویه ۱۹۹۵ به اجرا درآمد و قوانین قبلی جورجیا را که حاوی مقررات ذیل برای مجرمین مکرر بود، تکمیل کرد:

- در صورتی که فردی برای دومین مرتبه محکوم به ارتکاب هر جنایتی شود، ممکن است حسب نظر قاضی به طولانی‌ترین مدت مجازات مقرر برای جرم اخیر محکوم گردد.

- در صورتی که فردی برای چهارمین مرتبه محکوم به ارتکاب هر جرم شود، باید نسبت به محکومیت وی به حداکثر مجازات جرم اخیر اقدام نمود ضمن آنکه مرتکب، مشمول آزادی مشروط نخواهد بود.

مطابق قانون جدید (ماده «۲» (b) ۷-۱۰-۱۷) اشخاصی که برای اولین بار محکوم به ارتکاب یک جرم مستحق ضربه شده‌اند، به نحو اجباری حداقل به ده سال حبس محکوم

می‌شوند، بدون آن که امکان اعطای آزادی مشروط یا آزادی زودهنگام بزهکار وجود داشته باشد.

قانون مورد بحث جورجیا با قانون کالیفرنیا حداقل چهار تفاوت دارد:

- ۱- قانون جورجیا جرایم کمتری را مستحق ضربه می‌داند.
- ۲- مطابق قانون جورجیا، تنها جرایم هفتگانه فوق‌الذکر مستحق ضربه اضافه هستند، در حالی که طبق قانون کالیفرنیا هر جرم جنایی بعدی، مستحق ضربه است.
- ۳- در قانون جورجیا، حداقل اجباری تشدید مجازات برای ارتکاب اولیه جرم مستحق ضربه، پیش‌بینی شده است.

۴- در قانون جورجیا، ضربه دوم منجر به حبس ابد بدون امکان اعطای آزادی مشروط می‌گردد، در حالی که در قانون کالیفرنیا ضربه دوم منجر به دو برابر شدن مجازات جرم اخیر و محدود شدن مدت آزادی مرتکب می‌شود.

افزون بر این، در مقایسه با قانون واشنگتن، قانون جورجیا از این جهت نیز متفاوت است که حبس ابد در قانون ایالت اخیر، در نتیجه ضربه دوم قابل اعمال است، در حالی که در قانون واشنگتن، حبس ابد، تنها در صورت اجرای ضربه سوم اعمال می‌شود. از طرف دیگر تعداد جرایم مستحق ضربه در قانون جورجیا، بسیار کمتر از تعداد آن در قانون واشنگتن است، (چن، ۲۰۰۱).^{۳۱}

در انتقاد به قانون جورجیا، همانند اعتراضاتی که نسبت به بسیاری از قوانین سه ضربه شده است، برخی تأکید نموده‌اند که این قانون مغایر اصل برابری افراد در مقابل قانون و منع اعمال مجازات‌های خشن و نامتعارف است. در مقام رسیدگی به این اعتراضات، دیوان

31. Chen, Elsa Yee-Fang .

عالی جورجیا در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۹۶ عدم مغایرت این قوانین با قانون اساسی را مورد تاکید قرار داد.^{۳۳}

جدول شماره ۱: جرایم مستحق ضربه واشنگتن، کالیفرنیا و جورجیا

واشنگتن	کالیفرنیا	جورجیا
تمام طبقات جنایات	قتل عمد	قتل عمد
توطئه یا تبانی برای ارتکاب جنایات طبقه اول	قتل شبه عمد اختیاری	تجاوز به عنف
ضرب و جرح درجه دوم	تجاوز به عنف	
آزار و اذیت کودکان از درجه دوم	ماده ۱۴ قانون «لود» در مورد کودکان	کودک‌ربایی
قتل هدایت‌شده ماهوی	سوء استفاده جنسی مستمر از کودکان	لواط مشدد
اختاذی درجه اول	تجاوز به عنف از طریق شی خارجی	اذیت و آزار جنسی مشدد
دخول به کودک کمتر از چهارده سال	دخول جنسی به عنف	آزار و اذیت مشدد کودکان
آزادی‌های مبتذل	لواط به عنف	
بچه‌دزدی از درجه دوم	تقبیل به عنف	
رهبری جرم سازمان‌یافته	سرقت در شب	
قتل شبه عمد از درجه اول یا دوم	ضرب و جرح با سلاح کشنده نسبت	

32. Ortiz, V.

	به مأمور صلح	
رواج و اشاعه فحشاء از درجه اول	ضرب و جرح با سلاح کشنده توسط زندانی	
تجاوز به عنف از درجه سوم	هر جنایت حریق عمدی منجر به ضرب و جرح جسمانی	
استثمار جنسی	ایجاد حریق عمد منجر به ضرب و جرح جسمانی	
ضرب و جرح سریالی (به عادت)	عدم پذیرش طلاق به منظور ضرب و جرح یا قتل	
قتل سریالی توسط راننده بدون مهارت یا با وسیله نقلیه معیوب	کودک‌ربایی	
ارتکاب هر جرم جنایی از طبقه دوم با انگیزه جنسی	ایجاد ترس از طریق ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز	
ارتکاب هر جرم جنایی با سلاح کشنده	ایجاد حریق عمدی	
	سرقت از اماکن مسکونی	
	سرقت بزرگ با سلاح گرم	
	فروش مواد مخدر به صفار	
	هر جرم جنایی با سلاح کشنده	
	هر جرم جنایی با استفاده از سلاح گرم	
	شروع به ارتکاب هر کدام از این جرایم (فوق)	

گفتار سوم: ارزیابی سیاست سلب توان بزهکاری

دو هدف عمده رویکرد سه ضربه و سپس اخراج، کاهش نرخ جرم به خصوص جرایم خشونت آمیز، از یک طرف، و افزایش مدت حبس بزهکاران بویژه بزهکاران جرایم خشونت آمیز، از طرف دیگر است. طرفداران این سیاست و بنیان گذاران آن پیش بینی می کردند که وضع قوانین شدید سه ضربه، به شدت بر نرخ جرایم مؤثر خواهد بود و از وقوع آن خواهد کاست. آنان با اشاره به این واقعیت که درصد اندکی از بزهکاران (معمولاً ۵ تا ۱۰ درصد) مسئول ارتکاب اکثریت جرائم (۵۰ تا ۵۵ درصد) هستند، چنین نتیجه می گرفتند که سلب توان بزهکاری از چنین گروهی، موجب پیشگیری از انبوهی جرایم خواهد شد، (لانگرن، ۱۹۹۷).^{۳۳}

قبل از آن که رویکرد سه ضربه به مورد اجرا گذارده شود، در سال ۱۹۹۴ محاسبات یکی از پژوهش های انجام شده حاکی از آن بود که، در صورت جایگزینی رویکرد سه ضربه با سیاست متعارف/عادی کیفری فدرال و ایالت های آمریکا در خصوص تکرار کنندگان جرم، تقریباً ۲۱ درصد از نرخ بزهکاری در طول بیست و پنج سال آینده کاسته شده و در نتیجه سلب توان بزهکاری از بزهکاران مکرر محقق می شود، اما هزینه کامل اجرای چنین سیاستی پنج میلیارد و پانصد میلیون دلار در سال خواهد بود. مطابق محاسبات این پژوهش، هم هزینه و هم فواید ناشی از اجرای این سیاست، در صورت اجرای کامل آن محقق خواهد شد، (گرینوود، ریدل، آبراهامز، کالکینز، چیزا، مُدل و کلاین، ۱۹۹۴).^{۳۴} در این پژوهش - که معروف به «طرح رند»^{۳۵} است - تنها نتیجه این قانون

33. Lungern, Dan .

34. Greenwood, Peter W.,C. Peter Rydel, Allan F. Abrahams, Jonatan P. Caulkins, James Chiesa, Karyn E. Model, and Stephen P. Klein.

در رابطه با سلب توان بزهکاری از برخی بزهکاران مورد محاسبه قرار گرفت و جنبه بازدارندگی آن مورد توجه نبود.

در طول اولین سال‌های اجرای قانون سه ضربه در کالیفرنیا، نرخ جرایم به شدت کاهش یافت. در ۱۹۹۷ نرخ جرایم خشونت‌بار در کالیفرنیا ۲۸ درصد سقوط کرد. نرخ قتل عمد در سطح ایالت که در سال ۱۹۹۳ در بالاترین میزان بود، در سال ۱۹۹۷ به میزان ۳۹ درصد کاهش یافت و نرخ سرقت توأم با اذیت و آزار در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، به میزان چهل درصد نزول یافت. با وجود این واقعیت که نرخ بسیاری از جرایم قبل از اجرای این سیاست شروع به تنزل کرده بود، طرفداران این سیاست، چنین کاهش را ناشی از اجرای آن می‌دانستند. «مایک رینولد» که پس از قتل دخترش تلاش‌های زیادی برای تصویب قانون سه ضربه کرده بود، اعلام نمود: «نتیجه مشخص شد و بحث پایان یافت. اعداد ثابت می‌کنند که وقتی شما (با جرم)، شدید برخورد کنید، نتیجه (مثبت) آن را نیز خواهد دید» (رینولد، ۱۹۹۵).^{۳۵} در یک گزارش در سال ۱۹۹۸، «لانگرن» دادستان کل کالیفرنیا تأکید نمود که در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷، قانون سه ضربه کالیفرنیا، ۲۰/۲ درصد از نرخ جرایم به‌طور کلی و ۱۳/۸٪ از نرخ جرایم خشونت‌آمیز کاست، (لانگرن، ۱۹۹۸).^{۳۷} برخی دیگر از طرفداران سیاست سه ضربه، دلایل دیگری در خصوص کارکرد بازدارنده این سیاست ارایه می‌کنند، (چاوز، ۱۹۹۵).^{۳۸}

35. Rand Project.

36. Reynolds, Mike.

37. Langer, Dan.

38. Chaves, Kn.

«دان لانگرن» دادستان کل سابق کالیفرنیا از قول یک کارآگاه پلیس متخصص بی جویی قتل می گوید که: «بزهکاران دائماً در خصوص این قوانین صحبت می کنند. آنان واقعاً دچار ترس و سردرگمی شده اند. آن ها می دانند چه اتفاقی افتاده است»، (تامپا تریبون، ۱۹۹۶).^{۳۹}

در همین راستا «لانگرن» شرح می دهد که: «این قانون، قانونی است سخت گیرانه و مطابق آموزه های عقل سلیم»، (آنیس ورث، ۱۹۹۸).^{۴۰}

در مقابل طرفداران سیاست سه ضربه، مخالفین آن تأکید می کنند که قوانین سه ضربه اصولاً فاقد هر گونه تأثیری است یا تنها تأثیری اندک بر کاهش نرخ جرایم داشته. «برس» و «گریفیث»^{۴۱} (۱۹۹۸) در تحقیق خود نتیجه می گیرند که هیچ مدرک و دلیلی وجود ندارد که ثابت کند علت کاهش نرخ بزهکاری در کالیفرنیا اجرای سیاست سه ضربه بوده است. آنها چنین کاهشی را نتیجه تأثیر علل دیگر، از جمله کاهش نرخ بیکاری، اصلاح هرم جمعیتی به سوی بزرگسالی بویژه در مناطق شهری، کاهش استفاده از سلاح گرم و کسادی بازار خرید و فروش کوکاین می دانند. آن ها اضافه می کنند که هر گونه تأثیر احتمالی این سیاست باید در قالب مفهوم بازدارندگی احراز شود و نه سلب توان بزهکاری، زیرا بزهکارانی که محکوم به چنین مجازات هایی شده اند، از زمان تصویب قانون، تاکنون در زندان بوده اند و آزاد نشده اند.

39. Tampa Tribune .

40. Ainsworth, Bill .

41. Beres, Linda. S. and Thomas D. Griffith .

در سال ۱۹۹۹ تحقیق دیگری توسط «مؤسسه سیاست کیفری (عدالت)»^{۴۲} منتشر شد که در آن بر فقدان هرگونه تأثیرگذاری قوانین سه ضربه تأکید شد. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که قوانین مذکور هیچ تأثیری بر نرخ جرایم نداشته است. زیرا این قوانین هیچ تأثیر خاصی بر آن دسته از افرادی که گمان می‌رفت بیشترین اثر را از آن پذیرند- گروه افراد بالای ۳۰ سال- نداشت. در این تحقیق به مقایسه تغییرات نرخ جرایم در فاصله سال‌های ۱۹۹۱-۹۳ (قبل از قانون سه ضربه) و ۱۹۹۵-۹۷ (بعد از قوانین سه ضربه)، پرداخته شد و چنین نتیجه گرفته شد که نمی‌توان کاهش نرخ جرایم در دوره اخیر را به اجرای قوانین سه ضربه منتسب نمود. در یک پژوهش دیگر به مطالعه و ارزیابی مقایسه‌ای نرخ بزهکاری در چند ایالت دارای قوانین سه ضربه و چند ایالت فاقد این قوانین پرداخته شد. در این تحقیق، از یک طرف نرخ جرم در ایالات کالیفرنیا، واشنگتن و جورجیا مورد بررسی قرار گرفت و از طرف دیگر، نرخ بزهکاری در ایالات تگزاس، ماساچوست و میشیگان، که در آن زمان فاقد این قوانین بودند مورد مطالعه واقع شد. همانگونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، هر ۱۶ ایالت مورد مطالعه، دارای روند نزولی نرخ بزهکاری به صورتی تقریباً مشابه هستند. این روند مشابه، ناقض استدلال آن دسته از کسانی است که پذیرش و اجرای سیاست سه ضربه را عامل مستقل مهمی در کاهش نرخ جرم تلقی نمی‌کنند. افزون بر این، با دقت در آمار بزهکاری ایالات مذکور به ترتیبی که در جدول فوق‌الذکر آمده است و مقایسه آن‌ها با یکدیگر حتی مشاهده می‌شود که نرخ جرایم خشونت‌بار و جرایم، علیه اموال نیز به ترتیبی مشابه در ایالات دارای قوانین سه ضربه و فاقد این قوانین کاهش داشته است. البته ممکن است چنین ادعا شود که ایالات فاقد قوانین سه ضربه، دارای قوانین

42. Males, Mik, Dan Macallair, and Kaled Taqi- Eddin .

مشابهی هستند که همان کارکرد قوانین سه ضربه را دارند، (کری کورین، ۱۹۹۷).^{۴۳} اما در مقابل، این نکته قابل توجه است که حتی در واشنگتن و جورجیا که دارای قوانین سه ضربه بوده‌اند نیز نمی‌توان کاهش نرخ جرم را به اجرای این قوانین منتسب نمود، زیرا وضع این قوانین در ایالات مذکور بیشتر دارای جنبه نمادین بوده و به ندرت از آن استفاده شده است. تنها استثناء در این زمینه کالیفرنیا است که نسبت به اجرای دقیق این قوانین اقدام کرده و البته با کاهش نرخ بزهکاری نیز روبه‌رو بوده است، (گلاستون، ۱۹۹۷).^{۴۴}

اکنون به خوبی قابل درک است که نرخ بزهکاری در آمریکا در طول دهه نود (۱۹۹۰) میلادی کاهش داشته است. این کاهش سه سال قبل از سال ۱۹۹۳ که برخی ایالات شروع به وضع قوانین سه ضربه نمودند، رخ داد. علت این کاهش را اصولاً باید به تغییر شرایط اقتصادی و تحول در سیاست‌گذاری عمومی جستجو کرد نه در وضع قوانین و اتخاذ سیاست مبتنی بر شدت عمل در امور کیفری.^{۴۵} نکته قابل توجه دیگر این که حتی در کالیفرنیا که به شدت نسبت به اجرای قوانین سه ضربه دقیق و مصر بوده نیز، شاهد کاهش نرخ بزهکاری به صورت فوق‌العاده‌ای نبوده‌ایم. علاوه بر این در سایر ایالات اجراکننده این قوانین نیز چنین تغییری مشاهده نشد.

43. Krikarian, Grey .

44. Gladstone, Mark .

45. Austin, J. and cohen, R.

جدول شماره ۲: نرخ جرایم خشونت آمیز و علیه اموال در برخی ایالت‌های آمریکا^{۴۶}

ایالت‌ها	۱۹۹۰ نرخ جرایم خشونت آمیز	۱۹۹۰ نرخ جرایم علیه اموال	۱۹۹۶ نرخ جرایم خشونت آمیز	۱۹۹۶ نرخ جرایم علیه اموال
کالیفرنیا	۱/۰۴۵/۰۲	۵/۵۵۸/۰۴	۸۶۲/۰۷	۴/۳۴۷/۰۱
جورجیا	۷۶۵/۰۳	۶/۰۰۷/۰۳	۶۳۸/۰۷	۵/۶۷۱/۰
	۵۰۱/۰۶	۵/۷۲۱/۰۳	۴۳۱/۰۲	۵/۴۷۸/۰۲
	۷۳۶/۰۲	۴/۵۶۱/۰۵	۶۴۲/۰۱	۳/۱۹۴/۰۹
	۷۹۰/۰۴	۵/۲۰۴/۰۴	۶۳۵/۰۳	۴/۴۸۲/۰۲
	۷۶۱/۰۴	۷/۰۶۵/۰۳	۶۴۴/۰۴	۵/۰۶۴/۰۵

علاوه بر یافته‌های فوق‌الذکر، می‌توان به تحقیق دیگری که توسط اداره تجزیه و تحلیل قانونگذاری ایالت کالیفرنیا در خصوص نتایج اجرای قوانین سه ضربه انجام شد، توجه نمود. در این تحقیق به تفصیل به بررسی نتایج وضع قوانین سه ضربه بر سیستم کیفری شهرهای ایالت کالیفرنیا پرداخته شده و از جمله، بر افزایش تعداد پرونده‌ها و طولانی شدن مدت رسیدگی به آن‌ها، افزایش اشتغال هیأت منصفه، افزایش طول مدت انتظار بازداشت‌شدگان قبل از محاکمه اشاره شده است. برای مقابله با این وضعیت، در برخی شهرها، به رسیدگی به جرایم کوچک در فرآیند غیررسمی و از طریق قضازدایی، اقدام شده و همچنین به دلیل عدم تکافوی قضات شاغل، یک تیم از قضات بازنشسته

⁴⁶.Uniform crime reports for the United States, 1990-1996.

دعوت به همکاری شده‌اند. افزون بر این، جهت مبارزه با ازدحام جمعیت کیفری زندان، برخی از بزهکارانی که مدتی از حبس خود را طی نموده و امکان آزادی آن‌ها وجود داشته است، آزاد شده‌اند تا جای کافی برای اسکان محکومین، وفق قانون سه ضربه وجود داشته باشد. درجه امنیتی برخی زندان‌ها، در نتیجه تغییر در ترکیب جمعیتی آن‌ها، افزایش یافت و جهت تهیه امکانات لازم در زندان‌ها، بودجه بیشتری درخواست شد. مطابق یافته‌های این تحقیق در طول یک ماه، تقریباً ۸۰۰ محکوم وفق قوانین دو ضربه و ۱۰۰ محکوم وفق قوانین سه ضربه وارد زندان می‌شوند. نکته جالب توجه آنکه بیشترین تعداد محکومین، وفق قوانین دو ضربه و سه ضربه، مرتکب جرایم خشن و شدید نشده بودند. تنها بیست درصد (۲۰٪) از محکومین وفق قوانین دو ضربه و ۳۸ درصد از محکومین طبق قوانین سه ضربه، مرتکب جرایم خشونت‌آمیز و شدید شده بودند. بیشتر محکومین، وفق قوانین دو ضربه، (۲۱٪) مرتکبین جرایم مواد مخدر، (۱۳٪) مرتکبین سرقت‌های کوچک و (۹/۰۷٪) مرتکبین سرقت از اماکن مسکونی درجه دوم بوده‌اند. در میان محکومین مشمول قوانین سه ضربه، مرتکبین سرقت درجه اول از اماکن مسکونی (۱۳٪)، سرقت با استفاده از خشونت و تهدید (۱۲٪) و مرتکبین داشتن مواد مخدر ممنوعه (۱۲٪) بوده‌اند.

نتایج حاصله از پژوهش اداره تجزیه و تحلیل قانون‌گذاری کالیفرنیا در خصوص تأثیر قوانین سه ضربه و سپس اخراج قابل توجه است:

۱- با توجه به کاهش نرخ بزهکاری در کالیفرنیا، قابل ذکر است که این کاهش قبل از وضع و اجرای قوانین سه ضربه حادث شده و انتساب آن به تأثیر قوانین سه ضربه محل تأمل است.

۲- کاهش نرخ بزهکاری به دلیل تأثیر عوامل متعدد و پیچیده و از جمله عوامل زیر است:

تعدیل هرم جمعیتی به سمت بزرگسالی، اقدامات مجریان و ضابطین قانون، مشارکت مردم و افزایش گزارش آن‌ها در خصوص جرم و عوامل بازدارنده منجر به سلب توان بزهکاری. با این وجود، اداره مذکور تأکید می‌کند که باید تأثیر حبس بر کاهش نرخ بزهکاری فوق‌العاده مهم جلوه نماید، اگرچه قوانین سه ضربه این امکان را ایجاد می‌کنند که از طریق سلب توان بزهکاری از مجرمین، از نرخ جرایم کاسته شود.

۳- حبس ناشی از اجرای قوانین سه ضربه به نحو اخص، و حبس به‌طور کلی، تقریباً دیر مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا بسیاری از جرایم توسط جوانان مورد ارتکاب واقع می‌شوند.

۴- نظام کیفری، تنها قادر است به درصد کمی از بزهکاران، از طریق حبس پاسخ دهد.
۵- برای این که حبس «بازدارنده» باشد، زندان باید به نحوی عمل نماید که بر موقعیت اجتماعی بزهکار مؤثر باشد و به عنوان یک مجازات تلقی شود. حصول چنین نتیجه‌ای از طریق اجرای قوانین سه ضربه اندک است.

۶- برای برخی بزهکاران، ارتکاب جرم، نوعی واکنش اجباری به وضعیت‌های توأم با استرس و فشار ناگهانی است. تلاش برای ایجاد بازدارندگی از طریق اعمال مجازات شدید، نسبت به این دسته از بزهکاران توأم با موفقیت نخواهد بود.

۷- برای کاهش نرخ جرم، پس از حبس یک بزهکار، نباید یک «تازه‌نفس» دیگر جای او را بگیرد. جهت حصول به این هدف، بازار جرم- به عنوان مثال بازار مواد مخدر- را باید تحت تأثیر قرار داد.

نتیجه گیری

مطالعه و بررسی قوانین سه ضربه و سپس اخراج در ایالت‌های مختلف امریکا و نیز برخی قوانین مرتبط دیگر نشان می‌دهد که اگرچه همه آن‌ها واجد عنوانی مشترک هستند، ولی تفاوت‌ها و مشابهت‌های عمیق، میان قوانین مذکور قابل ملاحظه است. به عبارت دیگر، با بررسی قوانین مذکور، معلوم شد که مقدار «ضربه» و کیفیت «اخراج» در همه ایالات یکسان نیست. جرایم مستحق ضربه و منجر به اخراج با یکدیگر متفاوتند و با وجود مشابهت‌های موجود، تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند.

طرفداران و مخالفین رویکرد سه ضربه در ارزیابی موفقیت یا شکست این سیاست و حصول یا عدم حصول آن به اهداف پیش‌بینی شده، توافقی ندارند. بخشی از این اختلافات، به دلیل پیچیدگی نظام کیفری و عدم وضوح و شفافیت کارکرد آن است، (ویتلی الو، ۱۹۹۷).^{۴۷}

در خصوص تأثیر بازدارندگی قوانین سه ضربه، به گونه‌ای که منجر به کاهش نرخ بزهکاری شود، تردیدهای جدی وجود دارد. ایجاد ارتباطی مثبت میان کاهش نرخ جرم در آمریکا، با وضع قوانین سه ضربه، بسیار مشکل است و تقریباً در هیچ کدام از پژوهش‌ها این فرضیه ثابت نشده است، (کری کورین، ۱۹۹۹).^{۴۸} در کالیفرنیا نرخ جرایم قبل از وضع قوانین سه ضربه کاهش یافت و با وجود وضع قوانین مذکور، به همان ترتیب ادامه یافت. در این خصوص مهمترین مشکل آن است که برخلاف مبانی توجیهی سیاست سه ضربه، محکومین عمده این قوانین، نه بزهکاران حرفه‌ای یا خشن، بلکه بزهکاران مکرری هستند

47. Vitiello, Michael .

48. Krikorian, Greg .

که مرتکب جرایم عادی (در کالیفرنیا) شده‌اند. این حقیقت نه تنها شایبه ناعادلانه و شدید بودن قوانین مذکور را در مرحله وضع، بلکه در مرحله اجرا نیز تشدید می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به هزینه‌های اقتصادی اجرای این قوانین، در خصوص «فایده‌مند» بودن آن‌ها نیز تردیدهای جدی وجود دارد. در صورت محکومیت مرتکبان جرایم عادی و غیرخشونت‌آمیز به مجازات حبس طولانی‌مدت، افزایش هزینه‌ها و ازدحام جمعیت زندان امری حتمی است. به همین دلیل است که بسیاری از پژوهشگران بر ضرورت بررسی بیشتر آثار و نتایج این سیاست تأکید نموده‌اند،^{۴۹} (آوستین و همکاران، ۲۰۰۱؛ تراویس، ۱۹۹۷).^{۵۰}

49. Austin, James, Clark, John, Hardyman, Patricia, Henry, Alan .

50. Travis, Jermy .

فهرست منابع

۱. غلامی، حسین و نجفی ابرند آبادی، علی حسین، نظریه مجازاتهای استحقاقی و تکرار جرم، نشریه مدرس، شماره چهارم، ۱۳۷۸، صص ۹۷-۱۲.
۲. غلامی، حسین، پیش‌بینی جرم، مجله تخصصی حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره چهارم، سال دوم، ۱۳۸۱، صص ۶۱-۷۹.
3. Austin, James, Clark, John, Hardyman, patrica, Henry, Alan, (2001), Three strikes and You're out U.S National institute of justice, office of justice programs.
4. Austin, J. and cohen, R. (1996), Are crime rates declining ? National councli on crime and delinquency Focus, San Francisco, CA.
5. Ainsworth, Bill, (1998), Lungren Polishes role as anti-crime crusader, says "get though" Policies are working statewide, The San Diago Union - Tribune, February 3, 1998.
6. Banstetter, T. (1997, April 6), Boot Camps Fall Short, News – Journal online. Available internet : http : // WWW. n - jc enter. Com / repris /botcamp. htm 1.
7. Bayrne, James M. (1989), The effectiveness of the new intensive supervision programs, Research in corrections, 2 : 1 - 75.
8. Bayrne, James M. (ed.), (1990), The future of intensive supervision programs, probation supervision and the new intermediate sanctions, Crime and Delinquency, 36 : 6 - 41.

9. Bayrne, James M. (1989), The effectiveness of the new intensive supervision programs, *Research in corrections*, 2 : 1 - 75.
10. Bayrne, J. Lurgio. A. and Petersilia, J. (eds.), (1992), *Smart Sentencing: the emergence of intermediate Sanctions*, Newbury Park, California: Sag Publication. Inc.
11. Beres, Linda S. and Thomas D. Griffith, (1998), Did three strikes cause the recent drop in California crime ? An analysis of the California attorney general report, *Loyola of Los Angeles Law Review*, 3. (101).
12. Byrne, James M., Lurigio, Arthur J., and Petersilia, Joan. (1992), *Smartsentencing: The emergence of intermediate sanctions*, Newbury Park, CA: Sage Publications.
13. Blumstein. A, Cohen, J., Koth, J. A. and Visser, C. (Eds.), (1989), *Criminal career and career criminals*, Washington, D. C: National Academy press.
14. Chaves, Ken, (1995), Governor speaks to prosecutors about crime, *The orange county register*, June 28, 1995.
15. Chen, Elsa Yee – Fang, (2001), Three strikes and you're out and truth in sentencing : Lessons in policy implementation and impacts, *University of California*, pp.35-36.
16. Franklin , Daniel, (1994), The right three strikes , *Three strikes and you're out law*, Washington monthly, september.
17. Gladstone, Mark, (1997), *California crime rates declines*, *Los AngelesTimes*, January 30.

18. Greenwood, Peter W.,C. Peter Rydel, Allan F. Abrahams, Jonatan. P. Caulkins, James Chiesa, Karyn E.Model, and Stephen P. Klein, (1994), Three Strikes and Your out. Estimated benefits and costs of collifornia's new mandatory sentencing law, Santa Monica, CA : Rand Corporation.
19. Hayward, Steven and Lance T.Izumi, (1996), Crime and Punishment in California : Are we too tough or not tough enough? Pacific research institute.
20. Krikarian, Grey, (1997), Study Challenges. effect of 3 strikes law, Los Angeles Times, March 7.
21. Langer, Dan, (1998), Three strikes and you're out, its impact on the California criminal justice system after four years, Sacramento, CA: California attorney general office.
22. Lyons , Donna, (1998), State crime legislation, 1977, Denver , Co: National Conferance of state legislatures.
23. Lott, John R, and David, B. Mustard, (1997), crime, deterrence, and right- to- carry concealed weapons, Journal of legal Studies, 26: 1-68.
24. Lungern, Dan, (1997), "our tough law works," USA Today, February 24,1997.
25. Krikorian, Greg, (1999), 3 Strikes law found to be of no effect, Los Angeles Times, March 2.
26. Lacourse, David, (1996), Three strikes in review, Seattle: Washington institute for policy studies.
27. Langan, Patrick A. and Jodi M.Brown, (1994), Felony Sentence in State Courts, Washington, D.C: U.S. Department of Justice, Bureau of Justice Statistics.

28. Leary, Mary Ellen, (1996), California Youngs out of jail space as voters worry more about schools than crime, Seattle Times, August 31.
29. Legislative analysis office, state of California, (1999), The three strikes and you're out law's impact on states prisons : An update, october.
30. Males, Mik, Dan Macallair, and Kaled Taqi – Eddin, (1999), Striking out :The failure of California three strikes and You're out law, Sanfrancisco :Justice Policy institute.
31. Mumola, Christopher J. and Allen J. Beck, (1997), Prisoners in 1996, Washington D.C: U.S. department of Justice, Bureau of Justice Statistics.
32. National Criminal Justice Association, (1997), Juvenile justice reform initiatives in the States 1994 – 1996, Available internet : [http : // WWW. ncjrs.org/ojdp / reform / ch 2 - y.htm](http://WWW.ncjrs.org/ojdp/reform/ch2-y.htm) 1.
33. Nagin, Daniel, (1998), criminal deterrence research at the out set of the twenty first century, Crime and Justice, 23.
34. National Rifle association, (1996), Locking the revolving door on career criminals: Three Strikes and You're out, Fairfax, VA : NRA.
35. Petersilia, J., Greenwood, P.W.,and Lavin, M. (1978), Criminal Careers of habitual Felons, Washington D.C: National institute of law enforcement and. Criminal Justice.
36. Portman, Janet, (1995), Three strikes, The second inning, No. 10 Press.
37. Reynolds, Mike, (1995), Can't argue with success, USA Today, July 6, 1995.
38. Resk, Henry J. (1996), Three Strikes, You might be out, ABC Journal, 26.

39. Pressman, Steven and Jennifer Kaa(eds), (1996), Special report: Three Strikes, California Lawyer, October, 33 - 38.
40. Skelton, George, (1993), "Capital journal: A fathers' crusade born from ain", Los Angeles Times, December.
41. Surette, Ray, (1996), News from nowhere, policy to follow: Media and the social construction of three strikes and you're out, " in David Shichor and Dale K. Sechrest(eds), Three strikes and you're out: Vengeance as Public Policy, Thousands oaks, ca: Sage publications.
42. Simon, Paul and Dave Kopel, (1996), Restore Flexibility to U.S. sentences, National Law Journal, December, A 15.
43. Spelman, William, (1995), The severity of intermediate sanctions, Journal of research in crime and delinquency, 32 : 107 - 135.
44. Tampa, Tribune, (1996), California gets spectacular results from its famous three strike law, December 27, 1996.
45. Travis, Jermy, (1997), Three strikes and You're out, a review of state legislation, U.S. National institute of justice, office of justice programs.
46. The state legislative analysts' office (LAO), (1996), The impact of three strikes and Your'e out law on California's justice system, California, LAO.
47. U.S. Department of Justice, Federal bureau of investigation, (2002), Crime in the united states, Uniform crime reports.
48. Vitiello, Michael, (1997), Three strikes : Can We return to rationality? Journal of Criminal law and Criminology, (2) : 375-481.

49. U.S. Department of Justice, Federal bureau of investigation, (2002) , Crime in the United States : uniform crime reports and corresponding electronic data.